

معنویت در دفاع مقدس

قدرت‌الله بهرامی
کادر علمی پژوهشکده تحقیقات اسلامی

چکیده

واژه جنگ مفاهیمی مثل کشتار، خونریزی، سفاکی و بیرحمی را به ذهن متبادر می‌سازد ولی این مفاهیم نه تنها در حماسه دفاع مقدس ما جایگاهی نداشت بلکه بر عکس، رزمندگان اسلام چنان صحنه‌هایی از اخلاص، ایثار، شجاعت، تواضع و شهادت‌طلبی از خود نشان می‌دادند که با هیچ یک از معادلات مادی قابل محاسبه نبود.

این رشد و کمال که عارفان بزرگی مثل امام را به تحیر و داشته بود در سایه معنویتی حاصل شد که به واسطه راز و نیاز و تهجد و توکل به خدا و ارتباط روحی با ائمه معصومین علیهم‌السلام به وجود آمده بود. **واژگان کلیدی: معنویت و دفاع مقدس.**

مقدمه

آنها حساب همه چیز را می‌کردند الا یک حساب
و آن حساب معنویت [بود]. امام خمینی (ره)

ملت مسلمان ایران در طول تاریخ جنگ‌های بسیاری را تجربه کرده است. اما بی‌گمان حماسه هشت سال دفاع مقدس در کارنامه دفاعی ملت ایران برجسته و بی‌مانند است. این برجستگی در دو چهره تابناک ظاهری و باطنی نمایان‌گر شد. در بعد ظاهری، دشمن ما با آن همه امکانات مادی و تجهیزاتی و کمک دهها قدرت بزرگ و کوچک نتوانست به اهدافش که همان جدا کردن بخشی از خاک ایران بود دست پیدا کند و این در نوع خود یک پیروزی بسیار بزرگ محسوب می‌شد.

اما در بعد باطنی که همان تحول معنوی در آحاد جامعه و به خصوص در رزمندگان اسلام

است نمایشی بزرگ و اعجاب‌انگیز از عظمت‌های کم‌نظیر انسان دین‌دار قرن حاضر را به نمایش گذاشت که با سلاح و نیروی عظیم ایمان به خداوند متعال پدیدار گردید. این معنویت که همان راز و نیاز با خداوند و امید به امداد‌های الهی همراه با توکل و تهجد و توسل بود باعث گردید انسان‌هایی تربیت شوند که مظهر ایثار و اخلاص و شهادت‌طلبی باشند و به درجه‌ای از کمال نایل شوند که امام خمینی (ره) با آن همه کمال و عظمت نسبت به آن‌ها احساس حقارت می‌نمود.^۱ و یا مقام معظم رهبری در نماز به آنها اقتدا می‌کرد.^۲

مقاله‌ای که در پیش رو دارید پرتوی است از درخشش خیره‌کننده معنویت که در هشت سال دفاع مقدس در بین رزمندگان تبلور یافت و بزرگترین حماسه‌ها را به وجود آورد به گونه‌ای که هر لحظه‌اش سرشار از خاطراتی است که ما را به حفظ عزت و سربلندی و آزادی فرا می‌خواند و زینت‌بخش تاریخ پر افتخار ایران است.

انسان و معنویت

معنویت تأثیر شگرفی در تحول انسان‌ها دارد. رفاه، علم، زندگی و همه چیزهایی که برای انسان و جامعه انسانی مورد نیاز است با معنویت معنا و مفهوم و زیبایی پیدا می‌کند. دنیای بی معنویت مثل جسم بی روح است که به سرعت فاسد می‌شود. نشاط، حرکت، امید، زیبایی و آرامش مفاهیمی هستند که با معنویت حاصل می‌شوند.

در پرتو معنویت، انسان مادی تبدیل به انسان الهی می‌گردد و آرزوهایش به آرزوهای خدایی بدل می‌شود و فرد می‌تواند روی دنیا و تاریخ اثر بگذارد و انسانیت را متحول نماید.^۳ معنویت همچنین انسان را در برابر قدرت‌های استکباری قدرتمند و با اراده می‌کند و به او قوت قلب و شجاعت می‌بخشد. و در نهایت، معنویت بال پرواز انسان در ملکوت اعلی و حقایق غیر مادی عالم آفرینش است.^۴

جهاد و معنویت

در نگاه اول چنین برداشت می‌شود که جهاد و معنویت نه تنها رابطه‌ای با هم ندارند بلکه ضد هم دیگر هستند چرا که هر کدام روحیه خاص خود را طلب می‌کنند؛ عارف نیازمند روحیه‌ای ظریف است که با اندک جرقه‌ای قلبش می‌شکند و اشک از دیدگانش جاری می‌شود در حالی که رزمنده نیازمند داشتن روحیه‌ای خشن و قلبی سخت است که بتواند دشمن را از پای درآورد.

واقعییت این است که جهاد و معنویت هر دو از فضایل و کمالات هستند و بین آنها هیچ گونه تضادی وجود ندارد. عارف واقعی اهل جهاد و مبارزه در راه خداست و مبارز واقعی هم اهل عرفان است و اگر عارفی سلطه پذیر شد عرفان او دکانی بیش نیست و اگر مبارزی اهل معرفت نبود سلحشوریش حماسه مقدس نخواهد بود.

هدف انسان‌های مادی از جنگ، آب، خاک و غنیمت است در حالی که هدف انسان‌های الهی از جنگ اعتلای کلمه الله است و آنان حاضر نیستند چیز دیگری را در این هدف مقدس سهیم گردانند.

زمینه‌های پیدایش معنویت

الف - عبودیت

سرآمد باورهای دینی و ریشه همه معنویات، عشق به ذات مقدس حق تعالی بود که تار و پود وجود رزمندگان را فرا گرفته و آنان را متحول می‌نمود و برای حرکت در مسیر لقای الهی مهیا می‌کرد. این عشق سبب می‌شد رزمندگان به معشوق خود محبت بورزند و آن قدر پیش بروند تا محو جمال الهی گردند و جز خدا نبینند و همه رفتار و عملکردشان برای رضا و خشنودی خدا باشد.

مهمترین عامل پیروزی رزمندگان در این جنگ نابرابر ایمان و اعتقاد به خداوند بود، همان که دشمن علی رغم داشتن همه تجهیزات از آن بی بهره بود. رشادت و فداکاری همه رزمندگان اسلام از ایمان و اعتقاد آنها به خداوند نشأت می‌گرفت و کسی که خدا را یاری کند خداوند هم یار و مددکار او خواهد بود. امام خمینی (ره) اظهار می‌نمود که ما به خاطر پیروزی‌های معنوی باید از خداوند تشکر کنیم که چنین تحول عظیمی در جوان‌های ما به وجود آورد، ایشان می‌فرمود:

شما بروید ببینید این سنگرها را، ببینید مساجد است این سنگرها، این سنگرها مراکز عرفان است، مراکز توحید است و در این مراکز که شب آن طور مشغول هستند و روز هم آن طور فداکاری می‌کنند.^۵

همین عبادت‌های خالصانه رزمندگان را به آن درجه از اطمینان و یقین رسانده بود که از همه بندهای غیر خدایی آزاد شده بودند و به جز خدا کسی را نمی‌دیدند و گامی بدون رضایت او بر نمی‌داشتند.

ب - توکل

یکی دیگر از زمینه‌های پیدایش معنویت توکل است و معنای آن این است که انسان به خدا اعتماد کرده و با وثوق به حسن تدبیر و تقدیر او، امور خویش را به او واگذار نماید. توکل، مشعل امید را در دل روشن و یأس و ناامیدی را از آن دور می‌کند، به انسان شهامت و به روح آرامش می‌بخشد چرا که متوکل به خدا تکیه می‌کند و چنین کسی را خداوند کفایت می‌کند. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ. (طلاق / ۳)

هر کس به خدا توکل کند خدا او را کفایت می‌کند.

از ارزش‌هایی که رزمندگان اسلام با اتصال به آن از گردنه دفاع مقدس، پیروزمندانه گذشتند توکل به خداوند بود. آنان در عین اینکه به امداد و نصرت خداوند اعتقاد کامل داشتند و به خود و سلاح و تجهیزات، تنها به چشم وسیله نگاه می‌کردند کارها را به او واگذار می‌نمودند بدون اینکه از مسؤولیت دفاع گریزان باشند و از تلاش دست بردارند و خداوند نیز این توکل و اعتماد را بی‌پاسخ نگذاشت و رزمندگان را پیروز کرد.^۶ امام خمینی، مقام معظم رهبری، فرماندهان دفاع مقدس و رزمندگان اسلام به کرات اعلام می‌نمودند که با اتکال به خداوند توانستیم دشمن را به شکست بکشانیم.

ج - ذکر و یاد خدا

در قرآن مجید و احادیث معصومین (ع) بر ذکر و یاد خدا تأکید فراوانی شده است و آن ذکر اهمیت دارد که از قلب سرچشمه بگیرد و انسان را به مرحله‌ای برساند که همه عالم را محضر خدا بداند. چنین ذکر مؤمن را در سختی‌ها، آرامش و قوت می‌بخشد. در قرآن کریم آمده است:

ای کسانی که ایمان آورده‌اید هنگام برخورد با دشمن ثابت قدم باشید و بسیار خدا را یاد کنید.^۷ رزمندگان اسلام در حماسه دفاع مقدس با زنده نگه داشتن یاد خدا بر قوت و قدرت روحی و معنوی خویش افزودند و توانستند از عهده دفاع آنچنان که شایسته و بایسته است برآیند.

ذکر و یاد خدا چنان جاذبه‌ای داشت که افراد را از عالم مُلک جدا می‌کرد و به ملکوت پیوند می‌داد. یاد خدا گره‌های کور عملیات‌ها را باز می‌کرد و به رزمندگان آرامش می‌بخشید.

یکی دیگر از عوامل تقویت معنویت در جبهه تلاوت قرآن بود. رزمندگان با خواندن قرآن هم دل خود را به یاد خدا می‌آراستند و هم قوت قلب می‌گرفتند. از جلوه‌های دیگر معنویت در دفاع مقدس دعا و راز و نیاز بود و دعای چه کسانی برای اجابت، شایسته‌تر از دعای مجاهدان راه خدا که راز و نیاز رانه در انزوا که در مجاهدت و تلاش عارفانه جستجو می‌کردند.^۸

د - ارتباط روحی با ائمه معصومین (ع)

یکی دیگر از موارد تقویت معنویت در دفاع مقدس محبت و اتصال قلبی با ائمه معصومین (ع) بود. بدون توسل، ارتباط معنوی با خداوند ممکن نیست چرا که خداوند می‌فرماید برای تقرب به او وسیله بجویید و در احادیث معصومین (ع) است که وسیله خدا و خلق، ما هستیم. بنابراین توسل به اهل بیت هم راه است و هم نورانیت راه و هم برطرف کننده موانع و هم سرعت غیر قابل تصویری در پیمودن راه راست به ما می‌دهد.^۹

زیباترین نمونه‌های عشق و محبت به ائمه معصومین (ع) در دوران دفاع مقدس ظهور و بروز پیدا کرد، به گونه‌ای که نام اکثر لشگرها، تیپ‌ها، گردان‌ها، قرارگاه‌ها، پادگان‌ها محورها، عملیات‌ها و اسم رمز آنها نام اهل بیت (ع) بود همچنین نام و یاد ائمه اطهار (ع) بر روی پرچم‌ها، پیشانی‌بندها، تابلونوشته‌ها و در و دیوار جبهه‌ها نقش بسته بود.^{۱۰}

رزمندگان اسلام علاوه بر محبت به ائمه برای کسب پیروزی به آنان متوسل می‌شدند و از آنان می‌خواستند تا در لحظه‌های سخت و سرنوشت‌ساز آنها را کمک کنند. آثار این محبت و عشق و توسل در دفاع مقدس به شکل شهادت‌طلبی، ایثار، ستم‌ستیزی و عزت‌خواهی تبلور عینی و مشهود پیدا نمود.

تجلی کارکردهای معنویت در دفاع مقدس

الف - اخلاص

اخلاص یعنی خالص کردن همه اعمال و رفتار برای خداوند متعال به گونه‌ای که اعتقاد، فکر، سخن و حرکات و سکنات فرد برای رضای خدا باشد. و این خصلت بسیار مهم به دست نمی‌آید مگر با مراقبت‌های مستمر در مسیر مبارزه با امیال و هوس‌ها برای زدودن تمام زنگارهای سیاه و سخت و کسی که به این توفیق دست یابد از هر قصد و نیت، پندار، گفتار و عملکردی که از غیر خداست پاک می‌گردد.

اخلاص در جنگ نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. یک رزمنده وقتی کارش ارزش پیدا می‌کند که فی سبیل الله باشد. قرآن کریم اغلب به دنبال کلمه جهاد و قتال عبارت فی سبیل الله را ذکر کرده است. یعنی جهاد باید خالص و در راه خدا و برای خدا انجام گیرد.

امام خمینی (ره) در طول دفاع مقدس بارها بر این نکته تأکید می‌کردند که یکی از عوامل پیروزی رزمندگان اسلام اخلاص آنها بود چرا که در دفاع مقدس، رزمندگان برای شهرت، اهداف دنیوی و پست و مقام نمی‌جنگیدند لذا ایشان معتقد بودند که به خاطر اخلاص رزمندگان کسی جز اولیای خدا قادر نیست از آنها تقدیر کند:

شما [رزمندگان] دو مطلب را متحقق کردید که با این دو مطلب کسی که از سنخ بشر جز آن که از اولیای خدا باشد و الهام از خدا گرفته باشد نمی‌تواند تقدیر شما را بکند. یکی بزرگتر سرمایه خودتان که آن حیات است در طبق اخلاص گذاشتید و دیگری این که این هدیه را با اخلاص در طبق اخلاص تان گذاشتید عمده این اخلاص است که در شما جوانان ظاهر است شما از این اخلاص و ایثار جمهوری اسلامی را بیمه کردید لکن آن چه بالاتر از همه آنهاست این صداقت شما و این اخلاص شما در بارگاه حق تعالی است آن چه که نزد خدا، ارزشش از همه بالاتر است این ایثار از روی اخلاص است.^{۱۱}

رزمندگان اسلام، اعم از فرماندهان و نیروها، مجاهدت در راه خدا را از عوامل مهم معنوی در پیروزی‌های خود برمی‌شمردند و همدیگر را همواره به اخلاص و صداقت فرا می‌خواندند. جبهه‌های نبرد مملو از اخلاص و ورزشی رزمندگان پاک نهادی بود که از شهرت دنیا گریزان بودند.

شب عملیات بود گردان به میدان مین رسید وقت تنگ بود و به یک فرد شهادت طلب برای باز کردن میدان مین نیاز بود هشت نفر داوطلب شدند. احمد گفت: قرعه کشی می‌کنیم من اسامی را می‌نویسم هر کس اسمش درآمد همه باید تمکین کنیم. یک نفر بی طرف یک کاغذ از دست احمد بیرون کشید نام احمد روی آن بود احمد سریع به سمت میدان مین رفت و گفت من برنده شدم مرا حلال کنید و دقایقی بعد انفجار و... دوست احمد به جنازه او نزدیک شد دستش هنوز بسته بود دستش را باز کرد کاغذهای اسامی را دید. خدای من! فقط یک اسم بود «احمد».^{۱۲}

این گوشه‌ای از اخلاص انسان‌هایی بود که در هشت سال جنگ از اسلام و میهن دفاع می‌کردند. به گونه‌ای که انسان‌های مادی نمی‌توانند این مسائل را هضم کنند. مربی نظامی

اسرائیلی در کلاس تحلیل جنگ هشت ساله وقتی به این موارد می‌رسید به متربی‌هایش می‌گفت نمی‌دانم چگونه این موارد را برای شما حلاجی کنم که بفهمید.^{۱۳}

انجام حج واجب از آرزوهای هر مسلمان پاکبخته‌ای بوده و هست ولی انسان‌های بزرگی مانند در جبهه‌های جنگ را به رفتن به زیارت خانه خدا ترجیح دادند و در عوض خداوند خریدار جانشان شد و به جای زیارت خانه‌اش، آنان را به دیدار خود برد. یکی از این نمونه‌ها سرلشگر خلیبان عباس بابایی بود همسرش می‌گوید:

سال ۶۶ بنا بود همراه عباس به سفر حج مشرف شویم پس از تحویل ساک‌ها در فرودگاه نوعی پریشانی در چهره او دیدم در هنگام سوار شدن به هواپیما ناگهان عباس مرا صدا زد و گفت خدا به همراهتان! من و همراهان به او گفتیم مگر تو با ما نمی‌آیی؟ و... عباس که اصرار ما را می‌دید رو به همه کرد و گفت مکه من این مرز و بوم است مکه من آب‌های گرم خلیج فارس و کشتی‌هایی است که باید سالم از آن عبور کنند؛ تا امنیت برقرار نباشد من مشکل می‌توانم خودم را راضی کنم. شب عید قربان با همسرش در مکه تماس گرفت و گفت خاطر جمع باشید که عید قربان پیش شما خواهم بود و روز عید قربان به شهادت رسید.^{۱۴}

ب - شجاعت

شجاعت یکی از ملکه‌های گرانقدر و از اوصاف کمال انسان‌ها می‌باشد. در آیات و روایات زیادی به افراد مؤمن سفارش شده است که از هیچ کس غیر از خدا نترسند و در برابر دشمنان شدت عمل نشان دهند.

یکی از عرصه‌ها که شجاعت افراد را محک می‌زند عرصه جهاد و دفاع است و تاریخ جنگ تحمیلی گواه آن است که رزمندگان اسلام در طول دفاع مقدس بدون هراس از سلاح و تجهیزات و تعداد زیاد نیروهای دشمن به آنها یورش می‌بردند.

در عملیات بیت المقدس با تانک‌هایمان در محاصره دشمن قرار گرفتیم ناگهان فرمانده‌مان تصمیم گرفت که همگی، هم زمان چراغ تانک‌ها را روشن کنیم ابتدا از این فرمان اظهار شگفتی می‌کردیم ولی چون به فرمانده اطمینان داشتیم فرمان را اجرا کردیم تمام چراغ‌ها به یک باره روشن و خاموش شدند و منطقه در یک لحظه نورباران شد پس از چند لحظه صدای الدخیل یا خمینی عراقی‌ها بلند شد و تسلیم شدند.^{۱۵}

امام امت (ره) در پیام‌هایی که به مناسبت پیروزی رزمندگان در جبهه‌ها صادر می‌نمودند

همواره از شجاعت و دلاوری رزمندگان یاد کرده و این خصلت بزرگ آنها را می‌ستودند. ایشان می‌فرماید:

جوانان غیور ایران در سایه معنویت اسلام... به قله بلند ایمان و تعهد به اسلام صعود نموده‌اند و با شجاعت و شهامت کم‌نظیر بر کفر جهانی و غفلیان تاخته و آنان را از کشور عزیز خود بیرون رانده‌اند.^{۱۶}

دفاع مقدس ما با رشادت رزمندگان عجیب شده است و همین شجاعت و شهامت بود که غرور دشمن را در هم شکست و او را وادار به فرار کرد.

در عملیات مطلع الفجر پشت میدان مین گیر کرده بودیم که چه کار بکنیم؟ برادری که حدود سیزده سال داشت با حالت خاصی بلند شد و گفت من داوطلب هستم که از این جا رد شوم تا ما آمدیم بگویم نه، این میدان مین میدان پیچیده‌ای است و شما نرو، ایشان از میدان مین عبور کرد و موفق شد سنگر تیرباری که ما را زیر آتش گرفته بود خاموش کند و راه را برای ما باز کند.^{۱۷}

بی‌گمان شجاعت و پایداری فرماندهان جنگ و حضور آنها در خط مقدم جبهه و حتی جلوتر از رزمندگان و طرح‌ریزی دقیق آنها باعث می‌شد که قدرت ایستادگی و شجاعت رزمندگان چندین برابر گردد. یکی از فرماندهان بزرگ جنگ که نامش برای خودی‌ها اطمینان و برای دشمن تزلزل و وحشت ایجاد می‌کرد سردار شهید حسن باقری بود. سردار رشید درباره شجاعت این شهید بزرگوار می‌گوید:

شهید باقری که در نقش یک استراتژیست و نظریه پرداز فهیم نظامی بود در عملیات آزادسازی بستان با تیزهوشی و درایت یک فرمانده بزرگ اما با تواضع و فروتنی که در شأن یک انسان بزرگ است به اینجانب در هدایت و فرماندهی عملیات کمک می‌کرد. در حین عملیات از ناحیه سر به شدت مجروح و به بیمارستان منتقل گردید ولی با شجاعت و مردانگی و سعه صدر و علی‌رغم کسالت شدید مجدداً به قرارگاه برگشت و معاونت عملیات را بر عهده گرفت.^{۱۸}

ج - ایثار

ایثار به معنای از خودگذشتن و مقدم داشتن دیگران بر خود، از ارزش‌های والای اسلام است. ایثار نشان بزرگی و بزرگواری روح ایثارگر است. در قرآن کریم و روایات بارها از کسانی که از مال و جان خود در راه خدا می‌گذرند به بزرگی یاد شده است.

دفاع مقدس عالی‌ترین صحنه‌های باشکوه ایثار و فداکاری مردم ما را به نمایش گذاشت مردم در پشت جبهه با ایثار مال و حمایت همه جانبه از جبهه‌ها و رزمندگان با ایثار جان خود چنان حماسه‌هایی آفریدند که بیشتر به شکل افسانه جلوه می‌کند اما حقیقت این است که اینها بر صحیفه دفاع مقدس نقش بسته است.

امام خمینی(ره) در پیامی صحنه‌های ایثار مردم ایران را این گونه بیان نموده‌اند:

مگر ما و شما هر روز شاهد این کاروان‌های کربلا نیستیم که با شور و شوق و عشق و عطش به پیشباز شهادت می‌روند مگر شما هر روز شاهد میدان‌های با عظمت قتال با متجاوزین نیستید که به مرگ لبخند می‌زنند و معجزه می‌آفرینند راستی این چه تحولی است که بر سراسر این کشور صاحب الزمان روحی فداه نورافشانی می‌کند.^{۱۹}

ایثار مراتبی دارد، ایثار جان، مال، ایثار در رسیدگی و نجات دیگران و بالاخره ایثار در خطرپذیری. در مواقعی از دفاع مقدس همه این ایثارها به صورت هم‌زمان توسط بعضی افراد تجلی یافته است. یکی از این موارد مربوط به زنان خرمشهر در اوایل جنگ است. خواهر شهلا حاجی شاه روایت می‌کند:

بعد از ظهر برای شناسایی شهدا رفتم خیلی از مادران و زنان شهدا را می‌شستند بعضی هم قبر می‌کنند چند روز بعد که خواهرم شهناز شهید شد و می‌خواستیم او را دفن کنیم. جلوی مسجد جامع برادرم حسین (که چند روز بعد شهید شد) را دیدم به او گفتم بیا می‌خواهیم شهناز را دفن کنیم. گفت من نمی‌آیم عراقی‌ها از دروازه شهر وارد شده‌اند و جنگ تن به تن شروع شده است آن جابه من بیشتر احتیاج است. در بهشت شهدا آبی برای غسل دادن خواهرم نبود آقای گفت احتیاج به غسل ندارد در حالی که گلوله‌های توپ در نزدیکی ما فرود می‌آمد مادرم با دست‌های خودش خواهرم را در قبر گذاشت.^{۲۰}

ایثار و فداکاری رزمندگان در طول هشت سال دفاع مقدس شگفت‌انگیزترین برهه از تاریخ ایران اسلامی است. کسانی که با توکل به خدا و توسل به معصومین(ع) مانند کوه در برابر استکبار مقاومت کردند و لحظات خاطره‌انگیزی به یادگار گذاشتند، خاطراتی ماندنی و عظیم که در تاریخ ثبت شده و چراغ راه آیندگان خواهد بود. یکی از فرماندهان جنگ راجع به ایثار و فداکاری یکی از رزمندگان تحت امرش چنین می‌گوید:

در عملیات کربلای چهار دشمن موانعی خورشیدی درست کرده بود که عبور از آن بسیار سخت بود. در شب عملیات این موانع برداشته نشده بود وقتی حمله سپاه اسلام آغاز شد من

دیدم شخصی روی خورشیدی‌ها افتاد خوشحال شدم و با خود گفتم شهید خوشبختی بود همگی حتی بنده از روی جنازه وی عبور کردیم و خط را با همین یک شهید گرفتیم پس از تثبیت خط برگشتم بینم این شهید کیست دیدم زنده است و یکی از پاسدار وظیفه‌ها به نام حمیدی‌نیا می‌باشد و همه بدنش زخمی است او را از روی خورشیدی برداشتم و دیدم یکی از خورشیدی‌ها به چشمش رفته و نابینا شده به او گفتم چرا این کار را کردی گفت دیدم کار قفل شده و گیر کرده بود. بعد از عملیات موضوع را به آقای محسن رضایی گفتم و ایشان هم او را پیش امام برد و حضرت امام از ایشان تقدیر نمودند.^{۲۱}

تواضع

تواضع، همان فروتنی و افتادگی است که مانع از بهتر دانستن خود از دیگران می‌شود و در لغت، متواضع به آن کس گفته می‌شود که در برابر کسانی که در جاه و مقام از او کمتر هستند خضوع و فروتنی می‌کند.^{۲۲}

یکی از آثار و کارکردهای معنویت که در دفاع مقدس تجلی پیدا کرد تواضع رزمندگان اسلام بود همان‌هایی که در اوج نام و نشان به دنبال بی‌نشانی بودند. فرماندهانی که افراد زیردست را وارسته‌تر و بهتر از خود می‌دانستند و به جای آن که خود را فرمانده آنها بدانند خدمتگزار آنان می‌شمردند و به آن افتخار می‌کردند. امام خمینی (ره) به عنوان رهبر انقلاب و فرمانده کل قوا در پیام‌ها و سخنرانی‌ها متعدد در برابر رزمندگان تواضع می‌کرد و می‌فرمود: ای کاش من هم یک پاسدار بودم این‌ها چه می‌کنند و من چه کار، آنها می‌روند با دشمن اسلام می‌جنگند و من در این جا هستم و نمی‌توانم.^{۲۳}

من وقتی که در تلویزیون می‌بینم که یک گروه‌هایی، زن‌های یک بلدی نشستند و دارند برای این جوان‌هایی که در جبهه‌ها مشغول هستند با کمال جدیت دارند بسته‌بندی می‌کنند دارند نان می‌پزند دارند بسته‌ها را درست می‌کنند من خجالت می‌کشم که ما چرا، ما چه هستیم و اینها چه هستند.^{۲۴}

تاریخ دفاع مقدس گواهی می‌دهد که فرماندهان جنگ در رده‌های مختلف همواره خود را یک بسیجی می‌دانستند و حاضر نبودند نامشان بر سر زبان‌ها باشد، یا امکاناتی بیشتر از سایر رزمندگان داشته باشند. آنان فرماندهی را فقط داشتن مسؤولیت بزرگتر و در نتیجه کار بیشتر می‌دانستند.

هـ - شهادت طلبی

یکی از عوامل پیروزی در جنگ خطرها را به جان خریدن و به استقبال مرگ سرخ رفتن است و همین عامل باعث پیروزی می‌گردد. اگر در آیات و روایات آمده که توان هر رزمنده برابر با چندین نفر از افراد دشمن است یا شهادت قله سر برافراشته و یک ارزش متعالی است به خاطر شهادت طلبی آنهاست. شهادت آرزوی همه انسانهای برگزیده خداوند از اولین تا آخرین بوده و هست چرا که فرد شهادت طلب فقط در راه خدا جهاد می‌کند. قرآن کریم شهیدان را این گونه ترسیم می‌نماید:

هرگز کسانی که در راه خدا کشته شده‌اند مرده میندازید بلکه زنده‌اند که نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند.^{۲۵}

از ارزش‌هایی که رزمندگان اسلام با تکیه بر آنها توانستند در دفاع مقدس سرنوشت جنگ تحمیلی را به نوع دیگری رقم بزنند همین روحیه شهادت طلبی رزمندگان اسلام بود و روحیه‌ای که کشته شدن در میدان جنگ را حیات و افتخار می‌دانست. حضرت امام (ره) در طول دفاع مقدس بارها از این روحیه به عظمت و بزرگی یاد می‌کردند و در سخنرانی‌ها و پیام‌های خود می‌فرمودند:

ملت ما شهادت را شرف خودشان می‌دانند و پیشقدم برای شهادت هستند، جوان‌ها با آغوش باز شهادت را استقبال می‌کنند، جانبازان می‌گویند دعا کنید ما شهید بشویم، عشق به شهادت در دل زن و مرد و پیر و جوان موج می‌زند، پاسدارها اشک می‌ریزند برای اینکه بروند جبهه و شهید شوند.^{۲۶}

عبودیت و بندگی بی قید و شرط رزمندگان و عشق به شهادت از آنها انسان‌هایی ساخته بود که فانی در راه خدا شده بودند و به همین جهت مورد عنایت و لطف ائمه اطهار علیهم‌السلام قرار می‌گرفتند. یکی از این افراد در لباس یک کارگر به جبهه آمده در دفاع مقدس به آن چنان مراحل از تکامل می‌رسد که مقام معظم رهبری از ایشان به بزرگی یاد کرده و توصیه نموده‌اند که دوست دارم همگان شرح حال این فرمانده رشید را بخوانند.

ایشان تاریخ و محل شهادت خود را نیز می‌دانست. در احوالات او آمده است:

یک روز با هم در چادر فرماندهی نشسته بودیم که شهید عبدالحسین برونسی فرمانده تیپ جواد الائمه (ع) گفت این عملیات آخر من، خندیدم و گفتم این حرفها چیه حاج آقا، گفت مطمئنم توی این عملیات مهلتی که برایم مقرر کرده‌اند تمام می‌شود. شب عملیات سر و

صورت خود را اصلاح کرد، به حمام رفت و لباس فرم سپاه را پوشید و در همان عملیات (بدر) به شهادت رسید و همان گونه که بارها گفته بود و دلش می‌خواست مفقودالانثر شد.^{۲۷}

رزمندگان جنگ را یک تکلیف الهی می‌دانستند و معتقد بودند اگر در این راه شهادت یا پیروزی نصیب آنها شد در هر دو حال سعادت‌مند خواهند بود. شهادت‌طلبی به صورت یک تفکر در رزمندگان درآمده و به صورت یک عطش سراسر جان و روح آنها را فرا گرفته بود. صاحبان این تفکر دریافته بودند که شهادت نزدیک‌ترین و هموارترین راه و پرشتاب‌ترین حرکت به سوی حضرت محبوب است و از این طریق انسان حیات جاودانه و ابدی پیدا می‌کند لذا مشاهده می‌شود که داماد، عروس را در حجله رها می‌کند و راهی جبهه‌ها می‌گردد چیزی که در مغز انسان‌های مادی معنا و مفهوم ندارد.

وقتی محمدرضا از دواج کرد فقط یک شب توانست در مشهد دوام بیاورد و فردای آن روز دوباره عازم منطقه شد. هر چه دوستان و فامیل به او گفتند بمان، حداقل یک هفته صبر کن تازه از دواج کرده‌ای بعد برو قبول نکرد، می‌گفت منطقه به من نیاز دارد نمی‌توانم اینجا بمانم اتفاقاً این آخرین باری بود که عازم جبهه شد و بعد از آن در عملیات والفجر مقدماتی به شهادت رسید. روزی که پیکر او را تشییع می‌کردند روی تابوتش نوشته بود «داماد یک شبه شهادت مبارک».^{۲۸}

مركز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

پی‌نوشتها:

۱. من وقتی با این چهره‌ها مواجه می‌شوم و این قلب‌هایی که به واسطه توجه به خدای تبارک و تعالی این طور در چهره‌ها اثر گذاشته است احساس حقارت می‌کنم. صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۱۹۵.
۲. شیرودی اولین نظامی است که من در نماز به او اقتدا کردم. جمهوری اسلامی، ۸۰/۶/۲۱، ص ۳.
۳. معنویت، اداره تبلیغات نمایندگی ولی فقیه در سپاه، ۱۳۸۶، ص ۴۵-۴۳.
۴. همان، ص ۵۷-۵۶.
۵. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۱۳۶.
۶. عوامل معنوی و فرهنگی دفاع مقدس، ج ۲، علی تقی زاده اکبری، قم، پژوهشکده تحقیقات اسلامی، ۱۳۸۰، ص ۷۹-۸۰.
۷. انفال، آیه ۴۵.
۸. همان، عوامل معنوی و فرهنگی دفاع مقدس، ج ۱، ص ۶۳-۵۲.
۹. همان، معنویت، ص ۲۰۳-۲۰۲.
۱۰. همان، عوامل معنوی و فرهنگی دفاع مقدس، ج ۱، ص ۱۴۷-۱۴۲.
۱۱. صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۱۳۰.
۱۲. هفته‌نامه صبح صادق ع ۸۶/۸/۲۸، ش ۳۲۷، ص ۲.

۱۳. همان.
۱۴. پرواز تابى نهايت، على اكبر، تهران، چاپخانه نهجا، ۱۳۷۴، ص ۲۳۹-۲۳۷.
۱۵. صحبت عشق، ج ۱، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامى، ۱۳۶۸، ص ۱۲۶-۱۲۵.
۱۶. صحيفه نور، ج ۱۸، ص ۱۲۰.
۱۷. خاطرات ماندگار، احمد اسفنديار، قم، نشر مشهورى، ۱۳۸۴، ص ۱۴۵-۱۴۴.
۱۸. جزايبه، فتح الله جعفرى، تهران، چاپ سوره، ۱۳۸۵، ص ۲۱۳.
۱۹. ايتار و شهادت در مكتب امام خمينى، تهران، مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خمينى، ۱۳۷۵، ص ۱۰۷.
۲۰. ايتار و شهادت در مكتب امام خمينى، تهران، مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خمينى، ۱۳۷۵، ص ۱۰۷.
۲۱. همان، خاطرات ماندگار، ص ۱۳۹-۱۳۸.
۲۲. لغت نامه دهخدا، ج ۵، ص ۶۲۱۱.
۲۳. همان، مبانى دفاع، ص ۱۸۶.
۲۴. همان، ص ۷۳.
۲۵. آل عمران، آيه ۱۶۹.
۲۶. همان، ايتار و شهادت در مكتب امام خمينى، ص ۱۰۳-۹۹.
۲۷. خاک هاى نرم كوشك، سعيد عاكف، چاپ چهاردهم، نشر ملك اعظم، ۱۳۸۶، ص ۲۵۵-۲۵۳.
۲۸. صبح صادق، ۸۶/۹/۵، شماره ۳۲۸، ص ۴.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی